

محمدرضا پهلوی با فرار از ایران آواره کشورهای مختلف و در نهایت به سر نوشت پدرش دچار شد

# عاقبت به شر



در سراسر جهان درخواست کرد تا مکانی را برای ادامه اقامت شاه معرفی کنند، هیچ‌یک از سفارتخانه‌ها جواب مثبت ندادند. تلخ‌ترین لحظه برای خاندان پهلوی زمانی بود که در ۱۱ آذر ۵۸ از بیمارستان نیویورک مرخص شدند ولی هنوز مقصدی برای سفر نداشتند. به همین دلیل مقامات آمریکایی، شاه و همراهان را با یک هواپیمای نظامی به مرکزی که برای نگهداری بیماران روانی بود، منتقل کردند. با پایان مهلت رواند خاندان پهلوی، آمریکایی‌ها حاضر به تمدید رواند نشدند و محمدرضا در آذر ۵۸ با هواپیمایی نظامی راهی پاناما شدند. این درحالی بود که فشار ایران برای بازپس‌گیری شاه همچنان ادامه داشت. شاه و همسرش ۱۰۰ روز در پاناما ماندند و پس از دریافت جواب منفی از کشورهای غربی راهی جز بازگشت به مصر نیافتند. سرانجام شاه در ۶۱ سالگی در بیمارستان رمادی قاهره به علت سرطان خون درگذشت. مصر آخرین منزلگاه شاه در غربت بود؛ غربتی که به بیان اطرافیان و ملازمان او، توأم با افسردگی و بهت شدید بود. این سفر در فاصله ۲۶ دی‌ماه ۵۷ تا ۵ مرداد ۵۹ در محمدرضا درگذشت، جمعا ۵۶۸ روز طول کشید. در این مدت شاه در مصر، مراکش، باهاما، مکزیک، آمریکا، پاناما و مجدداً مصر روزگار، تبعید و غربت را گذراند و مانند ۳ شاه پس از انقلاب مشروطه، او را از خارج از ایران را تجربه کرد.

۱۰ هفته‌ای در یک ویلا کوچک ۳ اتاقه و نمور ۱،۲ میلیون دلار پرداخت کرد. شاه و یاقیمانده همراهان وی اواسط خرداد ۱۳۵۸ با یک هواپیمای کرایه‌ای از باهاما راهی مکزیک شدند و در یک خانه ویلایی که قبلاً برای اقامت آنان در نظر گرفته شده بود، مستقر شدند. با ورود شاه به مکزیک بیماری وی شدت گرفت، با گذشت زمان و شدت یافتن بیماری محمدرضا، دولت کارتر فقط جهت درمان به وی اجازه ورود به ایالات متحده را داد. اواخر مهرماه ۵۸ شاه و اطرافیان، مکزیک را به مقصد بیمارستان نیویورک ترک کرد و نزدیک به ۲ ماه در آنجا بستری شد. در این مدت ۲ بار تحت عمل جراحی قرار گرفت. در همین زمان محدود محمدرضا مجبور بود به درخواست‌های مالی آمریکایی‌ها به پناه‌های گوناگون پاسخ مثبت دهد تا امور خانواده و روند درمانی وی به بهترین شکل طی شود. کمتر از ۲ هفته پس از ورود شاه به آمریکا، سفارت این کشور در تهران به تصرف دانشجویان پیرو خط امام در آمد. ماجرای گروگان‌گیری که رخ داد، فشارها برای ترک آمریکا بر خاندان آواره پهلوی از سوی نخبگان و افکار عمومی شدت گرفت. با تصرف سفارت آمریکا توسط دانشجویان انقلابی، دیگر کشوری به خود جرات تقابل با مردم ایران برای پناه دادن به یک پادشاهی بی تاج و تخت را نمی‌داد. از این روزمانی که دولت کارتر از سفارتخانه‌های آمریکا

درخواست محمدرضا برای کاهش هزینه‌های خانواده بتدریج از او جدا شده و هسپار اروپا و آمریکا شدند. تنها جمعی از خدمه باقی ماندند که شاه را هنگام ترک مراکش همراهی کردند. شاه تصمیم داشت رهسپار آمریکا شود اما مقامات آمریکایی به دلیل اوج‌گیری اختلافات سیاسی در روابط تهران و واشنگتن، مایل به پذیرش وی نبودند. شاه و اطرافیان از خلع‌وعده پادشاه مراکش استرداد شاه به مردم ایران بسیار نگران بودند. اردشیر زاهدی، داماد شاه در کتاب خاطراتش نقل می‌کند: «یک جمله شاه هرگز از یادم نمی‌رود. زمانی که در دنیا سرگردان شده بودم و می‌کوشیدم برای عمل جراحی و معالجه به آمریکا بیایم و واشنگتن و او را راه نمی‌داد در تماس تلفنی به من گفت: اردشیر جان در این دنیای بزرگ آیا جایی برای پناه دادن من پیدا نمی‌شود؟» محمدرضا به پیشنهاد دوستان آمریکایی خود و کاهش فشار انقلابیون به پادشاه مراکش، به باهاما سفر کرد. ۷۰ روز اقامت در این جزایر برای شاه و اندک اطرافیان که برای او باقی مانده بود به سختی سپری شد. اقامت شاه در باهاما اقامتی پرهزینه برای وی بود. بعد از اعلام آمادگی چریک‌های فلسطینی برای ترور شاه، محمدرضا از نخست‌وزیر باهاما تقاضای کمک کرد. همین امر فرصت را برای درخواست‌های مکرر مالی، برای ایجاد امنیت شاه مهیا کرد. این درخواست‌ها به حدی بود که شاه بابت اقامت

گروه سیاسی: در تاریخ هر کشوری روزهایی وجود دارد که به سبب رقم خوردن اتفاقات مهم و البته تاثیرگذار در آن روزها، از اهمیت بالایی برخوردارند و به نوبه خود نقطه عطفی در تاریخ به شمار می‌روند. در ایران نیز در کنار روزهایی مثل ۱۲ و ۲۲ بهمن ماه ۵۷، می‌توان از ۲۶ دی‌ماه همان سال به عنوان یکی از روزهای تاریخی یاد کرد. ۲۶ دی‌ماه ۵۷ بود که محمدرضا پهلوی پس از آزمون راه‌های متعدد برای مهار خشم و انقلاب مردم ایران و شکست‌های پیاپی در این مسیر، بنا بر سنت دیرین خاندان پهلوی، فرار از کشور را بر ماندن ترجیح داد. با روشن شدن جرقه‌های اولیه انقلاب و فشار نیروهای مخالف رژیم و هماهنگی قیام‌های مردمی به رهبری امام خمینی، کشتار خونین ۱۷ شهریور و برگزاری مراسم چهلم‌های مختلف شهیدا در تهران، تبریز، اصفهان، مشهد و... و البته چاپ مقاله توهین‌آمیز علیه امام خمینی و مرجعیت در روزنامه اطلاعات، کنترل امنیت کشور از دست رژیم پهلوی خارج شد و پایه‌های اقتدار رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی سست شده و در نهایت منجر به فرار شاه شد.

گسترش موج اعتصابات در سراسر کشور، بویژه صنعت نفت، مملکت را به حال فلج کامل درآورد و درآمد ارزی کشور به صفر رسید. شاه برای خروج از بن‌بستی که در آن گرفتار شده بود به رهبران جبهه ملی رو آورد و قبل از همه دکتر غلامحسین صدیقی را برای مقام نخست‌وزیری در نظر گرفت. صدیقی پس از یک هفته مطالعه و مشورت، پاسخ رد داد. شاه از شاپور بختیار دعوت کرد. بختیار این پیشنهاد را به شرط گرفتن اختیار کامل و خروج شاه از کشور بعد از رای اعتماد مجلسین به دولت پذیرفت. شاه ناگزیر، تمام شرایط را پذیرفت. ظهر روز ۲۶ دی‌ماه بود که با اعلام خبر فرار شاه از ایران، مردم به خیابان‌ها آمده و یک ماه پیش از اینکه بخوانند پیروزی انقلاب اسلامی را جشن بگیرند، فرار محمدرضا پهلوی را جشن گرفتند. شاید بهترین روایت از فرار شاه و اوضاع روحی او در زمان فرار از کشور را فرح دیبا که همراه محمدرضا بود داشته باشد. فرح در خاطراتش از روز ۲۶ دی آورده است: «هزیمت‌اشک‌آلوده محمدرضا و من در ۲۶ دی ۵۷ انجام شد. دخالت آمریکا در امور داخلی ایران به اندازه‌ی رسیده بود که دیگر حتی ما را هم در جریان امور قرار نمی‌دادند، مثلاً ژنرال رابرت هایزر مدت‌ها بود به ایران آمده و فعالیت می‌کرد، در حالی که ما اصلاً اطلاع نداشتیم. وقتی محمدرضا فهمید ژنرال هایزر در تهران است بیشتر مشکوک شد و به من گفت به محض اخذ رای اعتماد توسط بختیار کشور را ترک خواهیم کرد. ما در روزی که بختیار به مجلس رفته بود در فرودگاه بودیم و جریان مجلس را از طریق تلفن بی‌سیم گوش می‌کردیم. محمدرضا بی‌آن را داشت که ما به سرنوشت ژنرال داوودخان، رئیس دولت افغانستان - که به اتفاق تمام اعضاء خانواده‌اش اعدام شد - دچار شویم. خوشبختانه محمدرضا با پیش‌بینی درست از ماه‌ها قبل همه اعضاء خانواده و پهلوی را به خارج فرستاده بود. فرزندان در آمریکا بودند و بیشتر اعضای خانواده محمدرضا هم به جز والا حضرت شمس و شوهرش در آمریکا بودند و جای‌شان امن بود اما من و محمدرضا ماه‌ها بود از وحشت اینکه به دست

۲۶ دی سالگرد فرار پهلوی؛ خانواده‌های که میلیاردها دلار از دارایی‌های مردم ایران را به غارت بردند

## شاه‌زد اموال ایران



گرفتن آن بی‌نتیجه ماند. ماجرای رفته شده شدن شمشیر مرصع رضاشاه از طرف ملک فاروق، پس از کودتای ضدسلطنتی مصر در سال ۱۹۵۳ در مطبوعات مصر انعکاس یافت ولی دولت جمهوری مصر نیز مدعی شد که اثری از این شمشیر نیافته‌است. ■ **فرار شاه و فرح با جواهرات سلطنتی** رئیس کل تشریفات دربار آغاز عملیات خروج شاه و همراهان را در ۲۴ دی‌ماه ۵۷ اعلام کرد. او دستور داد برچسب‌های شناسایی چمدان‌ها، بسته‌ها و صندوق‌های شاه که منقش به آرم دربار و سلطنتی بود به درون کاخ نیاوران آورده شود تا تشریفات لازم و آخرین شناسایی دربار آنها صورت گیرد. برچسب‌های اختصاصی دربار اینک آماده شده بود تا به چمدان‌ها و صندوق‌ها الصاق شود. دستور بر کردن و بستن چمدان‌ها و صندوق‌ها روز ۲۳ دی‌ماه ۱۳۵۷ با تأیید شاه و به دستور فرح صادر شد. فرح دستور داد ۲۸۴ چمدان و صندوق بسته شود. یک تیم از افراد مورد تأیید فرح جمع‌آوری

در خارج از کشور در آن محاسبه نشده است. اسناد و مدارک موجود در ایران نشان می‌دهد بخشی از اموال محمدرضا پهلوی در ایران شامل ۲۲۰ هکتار زمین قبل از خروج او از کشور در سال ۵۷ به فروش رفته و به صورت ارز از کشور خارج شده بود. با این حال بر اساس آمارهایی که روزنامه‌ها و نشریات آمریکایی منتشر کردند، ثروت شاه شبکه پیچیده‌ای از شرکت‌ها، بنیادها، حساب‌های بانکی، زمینی در کوستاندل سول اسپانیا، ویلاهای در سنت موریس سوئیس که بعدها سیلویو برلوسکونی آن را خرید و املاکی در نقاط مختلف دنیا بود. طبق خواسته شاه قرار بر این بود ثروتش به نسبت زیر تقسیم شود: «۲۰ درصد به فرح دیبا، ۲۰ درصد به پسر بزرگش رضا، ۱۵ درصد به فرح‌حنا، ۱۵ درصد به لیلا، ۲۰ درصد به علیرضا پسر دیگر شاه، ۸ درصد به شهناز و ۲ درصد به نوه‌اش مهناز زاهدی. ارزش ثروت تقسیم شده شاه از ۱۲۰ میلیون دلار طبق گفته بعضی وابستگان به خانواده پهلوی تا ۱۰۰ میلیارد دلار طبق برآوردهای نیمه‌رسمی متغیر است. عباس میلانی که به این خاندان نزدیک است رقمی نزدیک به یک میلیارد دلار را نزدیک‌تر به واقعیت می‌داند و هنوز هم مشخص نیست چه میزان از ثروت ایران توسط او و خاندانش به یغما رفته است.»

### روایت زاهدی از زودی شاه

درباره دارایی‌های ملی که شاه و خانواده‌اش از سال‌ها قبل از انقلاب بویژه در ماه‌های آخر رژیم از ایران خارج کرده‌اند، اردشیر زاهدی از محرمان دربار پهلوی، چنین نوشته است: «ادستان تهران در زمان شریف‌الامامی فهرست دقیقی از افرادی که پول‌هایی را به شکل ارز خارج کرده بودند، استخراج کرد. در میان این فهرست شخص اعلی حضرت به خروج ۳۱ میلیارد دلار از کشور متهم شده بود». این سخن را فردی بر زبان رانده که وزیر امور خارجه و آخرین سفیر ایران در آمریکا در دوره محمدرضا پهلوی و داماد او بوده است.

و بسته‌بندی همه‌گونه عتیقه، جواهرات و الماس‌های گرانبها، ساعت‌های تمام‌طلا، تاج و نیم‌تاج‌های تمام زرد را بر عهده داشتند این گنجینه‌ها جواهرات و عتیقه‌جات در مکان‌های امن کاخ نیاوران نگهداری می‌شد. فرح بر همه بسته‌بندی‌ها نظارت کامل داشت. بسته‌بندی و جمع‌آوری دلارهای آمریکایی که از مالها قبل نقدا جمع شده بود توسط بخش مالی دربار انجام شد. تاج شاهنشاهی با ۳۳۸۰ قطعه الماس و ۵۰ قطعه زرد، ۳۶۸ حبه مروارید و با وزن ۲ کیلو و ۸۰ گرم و از نظر قیمت غیرقابل تخمین و تاج ملکه با ۱۶۴۶ قطعه الماس و تعداد معتناهایی از جواهرات دیگر و طلا به ارزش ده‌ها میلیون دلار به عنوان بخش اندکی از جواهرات رفته شده سلطنتی هستند. بسته‌بندی این گنجینه‌ها سرعتی خاص را می‌طلبد که باید درون چمدان‌ها و صندوق‌های جای داده شود. در جریان این بسته‌بندی‌ها بسیاری از جواهرات توسط اعضای تیم بسته‌بندی درزیده شد و هرگز ردپایی از آنها به‌دست نیامد.»

■ **دزدی خاندان پهلوی از ملت ایران** به روایت روزنامه‌های مطرح روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز دهم ژانویه ۱۹۷۹ با استناد به گفته منابع بانکی جهانی نوشت مبلغی بین ۲ تا ۴ میلیارد دلار تنها در طول این ۲ سال آخر (۱۳۵۷ و ۱۳۵۷) از سوی خانواده سلطنتی ایران به آمریکا منتقل شده است. چند سال قبل نیز در سال ۹۱ شمسی، روزنامه انگلیسی فایننشال تایمز در گزارشی به مناسبت قیام‌های موجود در کشورهای عربی علیه دیکتاتورها، میزان دارایی‌های خارج شده از سوی دیکتاتورهای فراری از کشورهای مختلف را بررسی و اعلام کرد محمدرضا پهلوی، شاه مخلوع ایران ۳۵ میلیارد دلار دارایی از ایران خارج کرده است. نگاهی به برخی فعالیت‌های افراد نزدیک به شاه مخلوع بعد از سرنگونی رژیم طاغوت نشان می‌دهد رقم‌ها بیش از این است. به نظر می‌رسد این رقم متعلق به خروج مستقیم دارایی به شکل ارز از کشور باشد و املاک و سهام خاندان پهلوی

## طبیعه پیروزی



جدید خواهد بود؟ نیز گفتند: «دیکتاتوری نظامی وقتش گذشت. اگر چنانچه کسی دست به دیکتاتوری یا کودتای نظامی بزند خواهد فهمید که موفق به هیچ چیز نخواهد شد و برای خودش و برای کسانی که مربوط به خودش است ذلت بار خواهد آورد. باید همه اشخاصی که می‌خواهند در ایران برای منفعت‌طلبی دست به اعمال ضدمردمی بزنند، بدانند که وقت اینها گذشته است. ملت ایران دیگر آن ملت سابق نیست و تبلیغات سوء اثر خود را از دست داده است. باید ملت راه خودش را ادامه دهد تا به آنچه که می‌خواهد برسد و آن قطع دیکتاتوری است و ایجاد یک مملکت آزاد، که همه طبقات و اقشارش آزاد باشند و یک مملکت مستقل که هیچ قدرتی در آن نتواند دخالت کند. ان‌شاه‌ها در آینده بسیار نزدیک این آرزو تحقق پیدا می‌کند و دولت را به همین زودی معرفی خواهیم کرد.»

و جوانان غیور ما کنترل شهرستان‌ها و دهات و قراه را به دست گیرند و نگذارند کسانی که آشوب‌طلبند در این قراه و قصبات و شهرستان‌ها - خدای نخواست - دست به خرابکاری بزنند و من اخطار می‌کنم به آن اشخاصی که شلوغ می‌کنند و تبلیغات سوء در این زمینه‌ها می‌کنند و می‌خواهند با فرصت‌طلبی آشوب به پا کنند و بر ضد ملت ایران یک تبلیغاتی بکنند و بر نفع اشخاص خارج و دولت‌های ابرقدرت یک کارهایی کنند، من اخطار به آنها می‌کنم که اگر چنین کاری کنند سرنوشت سختی خواهند داشت و مجازات بزرگی خواهند داشت ولی اگر چنانچه توبه کنند، خداوند تبارک و تعالی توبه همه را قبول می‌کند؛ و باید اینها بر گردند به اعتوش ملت و ملت آنها را خواهند پذیرفت.» امام خمینی در پاسخ به این سؤال که آیا حضرت آیت‌الله تصور نمی‌فرمایند اگر با دولت بختیار همکاری نفرمایند احتمال یک دیکتاتوری نظامی و خونریزی‌های

سلطنت محمدرضا به وجود آمده است که باید برای ترمیم آن با همت جمیع طبقات ملت قیام کنیم. نخستین قدمی که ما باید برداریم ترمیم این خرابی‌هایی است که به وسیله شاه که از اعمال خارجی بود، حاصل شده است و این مسیر نیست به جز کمک کردن به جمیع طبقات. من از جمیع طبقات ملت با کمال تواضع تقاضا دارم که در این مشروع اسلامی و در این مشروع ملی همه با هم کمک کنند، همه دست به دست هم بدهند، اختلافات حزبی و مسلکی را کنار بگذارند، اختلافات قدیمی و جدیدی را کنار بگذارند، اختلافاتی که مربوط به احزاب است کنار بگذارند و همه با هم - با صدای واحد، یا بد واحد - قیام کنند؛ قیام به امر مهمی که نجات دادن کشور است، نجات دادن این کشتی متزلزل است. و من از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که ملت ما را بیشتر از این هوشیار و بیدار کند. من از ملت می‌خواهم که خودشان مواظب نظم مملکت باشند

بلافاصله پس از اعلام رسمی خبر فرار شاه از کشور، خبرنگاران خارجی سراغ حضرت امام خمینی که در نوفل‌لوشاتو پاریس ساکن بود و روزهای تبعید را می‌گذراند رفتند و نظر ایشان را در ارتباط با فرار محمدرضا پهلوی جویا شدند. امام خمینی در پاسخ به این سوال که اولین قدم سیاسی ایشان بعد از خروج شاه چیست؟ فرمودند: «خروج شاه نخستین مرحله پیروزی ملت ما است ما مشکلات زیادی در پیش داریم و ملت ما باید بداند که مجرد رفتن شاه، پیروزی نیست، بلکه طبیعه پیروزی است و البته این طبیعه را من به ملت ایران تبریک عرض می‌کنم، و باید توجه داشته باشند که همان طوری که طبیعه پیروزی است، طبیعه خلع سلطه اجتناب است و این تبریک، بیشتر از تبریک رفتن شاه است و ما الان مسائل بسیار مشکل در پیش داریم و وارث یک مملکت ازهم‌پاشیده‌ای هستیم که این خرابی‌ها در ظرف پنجاه سال سلطنت پهلوی و بیشتر از ۳۰ سال